

نمایشنامه

رکسانا و هفت خوان پرواز

نویسنده:

شریفه بنی‌هاشمی

www.ketab.ir

سرشناسه: بنی هاشمی، شریفه
عنوان و نام پدیدآور: رکسانا و هفت خوان پرواز/
نوشته شریفه بنی هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: نشر هفت رنگ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۵۴ ص: ۱۴/۵۰، ۲۱/۵۰ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۱-۱۵-۰
وضعیت فهرست نویسی: فبا
بادداشت: بالای عنوان: نمایشنامه.
موضوع: نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴/۸۱۹۴/۸ PIR۳۳۵
رده بندی دیویی: ۸۵۲/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۱۱۷۶



کتابخانه ملی ایران

تلفن: ۸۸۷۱۱۰۰۰

رکسانا و هفت خوان پرواز

شریفه بنی هاشمی

طرح روی جلد: ابراهیم حقیقی

نقاشی: یاس انصاری لاری

صفحه آرا: سعید کاوندی

ناشر: هفت رنگ

چاپ نخست: ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۰۰

امور آماده سازی و چاپ: نظر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۱-۱۵-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

یادداشت ناشر

شریفه بنی هاشمی در بندرعباس متولد شده و دانش آموخته دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او از سال ۱۳۵۱ هنر نمایش را به طور جدی دنبال نموده است و تا سال ۱۳۵۹ در نمایش نامه‌های خواستگاری (چخوف)، زار (غلام حسین معتمدی)، استثناء و قاعده (پرشت)، عروسی خون (لورکا)، سلامان و ابسال (هوشنگ گلشیری)، آهو (بهرام بیضایی)، خانه‌ی برنارد آلبا (لورکا) به عنوان بازیگر ایفای نقش نموده است.

بنی هاشمی از سال ۱۳۶۳ که به آلمان سفر کرد، در دانشگاه آزاد برلین، رشته‌ی تأثر و ایران‌شناسی را دنبال نمود و گروه تأثری ایرانی "صورتک" را بنیان نهاد و بعد از وقفه‌ای چند ساله از سال ۱۳۷۰ تاکنون در زمینه‌های مختلف تأثری مانند بازیگری، کارگردانی، نمایش نامه‌نویسی، طراحی لباس و ایده‌پردازی شرکت داشته، و در کشورهای متعدد اروپایی اجرا داشته است. نمایش نامه‌های او عبارت‌اند از:

- "گم‌گشتگان" که در یازدهمین شماره‌ی کتاب نمایش در ایران منتشر شده است

- "زن و شاعر" و "تی وی شو"، دو کار کوتاه بدون کلام که در چند فستوال تئاتری اجرا شده

- "هزار و یکشب" برگرفته از افسانه‌های هزار و یک شب، کار مشترکی با مارتین شوایترز برای کودکان، که به آلمانی اجرا شده

- "رکسانا و هفت خوان پرواز" نیز به آلمانی در برلین و فستیوال کلن اجرا شده

- او دو نمایش نامه‌ی بلند منتشر نشده نیز دارد. این هنرمند علاوه بر فعالیت‌های تأثیری، داستان و نقد هم می‌نویسد. تاکنون دو کتاب، مجموعه داستان‌های "یادداشت‌های خانم هلمه‌مان" و "زمان خرچنگ‌ها بر ساحل" از کارهای برجسته‌ی اوست که در اروپا به چاپ رسیده و کتاب بعدی "خرچنگ‌ها..." را دارد به پایان می‌رساند. به علاوه او در کارگاه نوشتن خلاق نیز فعال بوده است. فعالیت‌های اجرایی بنی‌هاشمی که با تأثر کودکان برای مدرسه ایرانی برلین شروع شده است و بعدها با کار در یک مؤسسه فرهنگی تئاتری- آموزشی ادامه پیدا کرد، بیش از بیست نمایش نامه است که در آن‌ها به عنوان بازیگر، کارگردان، دستیار و مشاور کارگردان مشغول به کار بوده است که تعدادی از آن‌ها شامل "چهار صندوق" (بهرام بیضایی)، "زن و اژدها"، "آخرین شب شهرزاد" و "آقای دن کیشوت" (فرهاد پایار) و... می‌توان نام برد.

یادداشت نویسنده

رکسانا و هفت خوان پرواز تلفیقی از اساطیر شرق (سیمرغ، قله‌ی قاف، هفت خوان) و اسطوره‌ی غربی پرواز ایکاروس است. ایکاروس (جویای حقیقت) اسطوره‌ای یونانی است؛ او از زندان مینوس شاه به کمک بال‌هایی که از موم و پر ساخته شده بود گریخت و با وجود توصیه‌ی پدرش به سوی خورشید (حق - حقیقت) پرواز کرده و به آن نزدیک می‌شود. گرمای خورشید موم‌ها را آب می‌کند و ایکاروس به اقیانوس (بی‌کرانگی) فرومی‌افتد. این اسطوره با پرواز کیکاوس که از اسطوره‌های کهن ایرانی - آریایی است همپوشانی دارد؛ پادشاهی که رستم برای آزادی او و سپاهیان‌ش باید از هفت خوان (چالش و نبرد) برای رسیدن به مازندران از سر بگذراند. سیمرغ در تشیمن‌گاهش، کوه و قله‌ی قاف پرنده‌ای افسانه‌ای است. این اسطوره - مرغ که پرورش دهنده‌ی زال پدر رستم بوده، نماد خردمندی و داننده‌ی رازهای نهان است و در ادبیات عرفانی از جمله آثار ابن سینا و منطق‌الطیر عطار، رمزی از وجود حق، خورشید و حقیقت است. در این نمایشنامه با برداشت از این دو اسطوره، که در اولی، الیوس که یادآور ایکاروس است و با نپذیرفتن پند پدر و بلندپروازیش با نزدیک شدن به خورشید، موم پرهایش آب شده و سقوط می‌کند. او نیز با گوش ندادن به اندرز درخت که در این جا مظهر دانایی و فرشته‌ی نگهبان است، به سقوطی ناگزیر می‌رسد. و در اسطوره‌ی دوم رکسانا نیز که هنوز به سن بلوغ نرسیده، با برخوردی شهودی و نه خردمندانه، همچنان که در عرفان شرق

وجود دارد؛ یعنی پیرو احساس و نه خرد بودن، در تاوان کار نابخردانه‌اش یعنی بریدن پر پرند و در نتیجه سلب آزادی او باید از هفت مرحله یعنی از هفت رنگ زندگی بگذرد تا به رشد فکری و جسمی برسد و پس از طی مراحل رشد خود به عشق برسد و در آخر در رقص پرشور پرواز، سیمرغ شود. چنان که در منطق الطیر عطار سیمرغ برای یافتن راه حل در پی مرغ افسانه‌ای سیمرغاند و با گذشتن از هفت خوان مشکلات، در آخر با دیدن خود در آینه‌ی باطن تبدیل به سیمرغ می‌شوند و به خود می‌رسند. در این جا برخورد دو فرهنگ و دو نگاه است که هر کدام در خود نارسایی‌هایی دارد؛ از یک سو رکسانا که با کار نابخردانه و احساسیش باید با گذشتن از این هفت خوان برای زنده ماندن پرند و اش خود را نیز بیابد و به بلوغ دست یابد و از طرفی پرند که با بلند پروازیش سقوط کرده، با دیدن از خود گذشتگی‌های رکسانا، او نیز بالغ می‌شود و هر دو در این راه دراز - راه زندگی - به بلوغ و عشق می‌رسند.

این دو یعنی رکسانا و پرند هر دو با گذشتن از تمام این مراحل در پی یافتن هدفی مشترک یعنی قله‌ی قاف که جایگاه سیمرغ است، نطفه‌ی عشقی در آنها بسته می‌شود که شاید پایه‌گذار فرهنگ و نگاه سومی باشد که در پرواز خود، سیمرغ شود یعنی آزادی.

رکسانا، انسان نوعی این نمایش‌نامه نیز همانند قهرمانان اسطوره‌ای فوق برای رسیدن به حق و حقیقت و دریای کمال و ارزش‌های متعالی انسانی باید از این دیوارها، موانع و گیر و دارها عبور کند....